

متن پرسش

سلام استاد گرامی: وقت شما بخیر باشه. نظرتون رو در مورد متن زیر می خواستم (در باره شعر معروف سعدی می گوید که شعر اشتباه است) **يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ. تَنهَا** انسان های به انسانیت رسیده هستند که واقعاً اعضای یک پیکرند، روح واحد بر آنها حکم فرماست و «چو عضوی به درد آورد روزگار- دگر عضوها را نماند قرار». چنین انسان هایی که همه ارزش های فطری در آنها روییده است همان انسان های «مؤمن» اند، زیرا ایمان در رأس فطریات و ارزش های اصیل انسانی واقع است. پس آنچه واقعاً انسان ها را به صورت «ما» درمی آورد، روح واحد در آنها می دمد، «هم ایمانی» است نه هم گوهری و هم ریشه ای و هم زایشی که در سخن سعدی آمده است. آنچه سعدی گفته ایده آل است نه واقعیت، بلکه ایده آل هم نیست. چه جهتی دارد که موسی هم پیکر فرعون و ابوذر هم درد معاویه باشد؟ آنچه هم واقعیت است و هم ایده آل، وحدت انسان های به انسانیت رسیده و ارزش یافته است. این است که رسول اکرم (ص) در سخن خود، که سعدی آن را اقتباس کرده و با تعمیم غلط خرابش کرده است، فرمود: مؤمنان اعضای یک اندام اند، هرگاه عضوی به درد آید، با تب و بی خوابی با او هم دردی می کنند. شک نیست که انسان به انسانیت رسیده، نسبت به همه انسان ها بلکه نسبت به همه اشیاء مهر می ورزد حتی نسبت به انسان های مسخ شده و تغییر ماهیت داده. این گونه انسان ها نسبت به کسانی که به آنها دشمنی می کنند نیز مهرورزند. ولی سخن در «محبت متقابل» و «دردمندی متقابل» است. محبت و مهرورزی متقابل تنها در میان جامعه اهل ایمان تحقق پذیر است و بس.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! امروز ذیل اسلام و تعیینِ امروزین آن که انقلاب اسلامی است می توان به آن یگانگی و گشودگی که غذای جان انسان است، رسید و در چنین وسعتی حتی می توان سایر انسان ها را به حکم انسانیت دوست داشت. باید سخنان امثال جناب سعدی را طوری توجیه کرد که منظور آن همان فضایی است که اسلام مدّ نظر دارد. موفق باشید